



تصویر احتمالی یکی از شاهان کاسی

پیشر (فصلنامه شقایق، ش ۲، تابستان ۱۳۷۶) شمه‌ای در باب منشأ احتمالی قوم کاسی آوردیم و گفتیم بخشی از اقوام آریایی ساکن نجد ایران که به دامنه‌های زاگرس در لرستان آمدند و در آنجا سکنا گزیدند به نام کاسی مشهور شدند. یونانیان واژه کاسی را مأخوذ از «کاسین» یا دریای خزر می‌دانند و گمان می‌کنند این قوم از اطراف همین دریا کوچیده‌اند.

در همان شماره خواندیم کاسیها احتمالاً نخستین قومی بوده‌اند که رام کردن و پرورش اسب را پیشه کرده‌اند که البته با توجه به محیط زیست زاگرس، منطقی و پذیرفتنی است. آثار مفرغی فراوان که به نوعی به پرورش اسب در موزه ملی ایران هم قابل مشاهده است این گمان را بیشتر تقویت می‌کند. کاسیها از طریق داد و ستد اسب و کالاهای دیگر به مرور زمان با همسایگان، از جمله با مردم بابل ساکن سرزمین تقریبی عراق کنونی، ارتباط برقرار کرد و حتی در لشکر بابلیان نیز به صورت جنگجویان مزد بگیر خدمت کرده‌اند. در عین حال نیز گهگاه به سرزمین بابل دستبرد می‌زدند و رعمه‌ها را به غارت می‌برده‌اند.

به اختصار گفتیم حدود منطقه سکناي قوم کاسی قبل از فتح بابل بنا بر ماخذ و آثار مفرغی موجود، در شمال به محدوده بروجرد و حد جنوبی آن به کوهدشت می‌رسیده در شمال غربی با سرزمین آشوریان مجاور بوده و می‌دانیم سرزمین آشور بیشتر در بخش وسطای دجله و کوهستانهای مجاور و به

احتمالی تا شمال اروپه فعلی امتداد داشته است. هر تسفلد باستان شناس آلمان حد شرقی کاسیهای لرستان را ماهیدشت و کرمانشاه کنونی دانسته است.

در مقاله حاضر قدری به چگونگی تسلط کاسیها بر بابل می‌پردازیم که مدت ۵۷۶ سال و نه ماه بر این سرزمین حکومت کردند. بسیاری از مورخان این مدت مدید را از ممیزه‌ها و شگفتیهای تاریخ باستان می‌دانند. زیرا تسلط اقوام بیگانه در آن روزگار به دلیل خصلت جنگجویی اقوام مختلف و طبیعت زندگی مردم، این قدر به درازا نمی‌کشیده. گمان می‌کنیم کاسیها توانسته‌اند با جلب قلوب بابلیان و خاصه احترام به خدایانشان قریب ششصد سال بر آنان حکومت کنند و دولت با ثباتی هم تشکیل دهند.

### بابل قبل از سلطه کاسیها

می‌دانیم بابل در زمان حمورابی (۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ قبل از میلاد) به دلیل فتوحات نظامی و سیاستمداری و خردمندی این پادشاه به اوج عظمت رسید؛ او نخستین قانون نامه مدون جهان را بر ستونی نقره‌کرده بعداً در شوش کشف شد و اکنون در موزه لوور پاریس در معرض دید همگان است و در آن مناسبات مردم را با یکدیگر و حکومت معین کرده است. اما با مرگ حمورابی اقبال دولت بابل هم رو به زوال نهاد زیرا جانشینانش نتوانستند مانند او ملکداری کنند و به مرور زمان حوزه نفوذ آنان در شمال به بغداد کنونی و در جنوب به حوالی لارسا واقع در شمال غربی ناصریه کنونی که در تورات العازار نامیده شده محدود شد.

حیتی‌ها یا حتی‌ها که تقریباً بر قسمت اعظم آناتولی کنونی حکومت می‌کردند چشم طمع به سرزمین بابل دوختند و در زمان پادشاهی مورسیلی اول در سده هیجدهم قبل از میلاد از نفاق درونی بابلیها استفاده کردند و با سپاه سبکی قوای بابل را شکستند و بر سلسله حمورابی مسلط شدند. اما معلوم شد دولت آنان مستعجل است و دیری نگذشت که بابل در آشوب سیاسی فرو رفت و زمینه برای تسلط کاسیها که از مدتها پیش بر سرزمین بابل نظر داشتند آماده شد.

در اسناد قدیم وقایع و چگونگی تصرف سرزمین بابل بر دست کاسیها به نحو منظم و مرتب مدون نشده؛ و اصولاً مورخان عصر حاضر برای پی بردن به وقایع عهد باستان و از جمله چگونگی سیادت کاسیها بر بابل اسناد و آثار پراکنده را چون تکه‌های نقشه جغرافیایی نسبتاً مبهم، پهلوی هم می‌گذارند و از جمع آنها مطلبی را استنباط و پیشنهاد می‌کنند. شرح آمدن کاسیها به بابل نیز از این مقوله جدا نیست.

از الواح موجود می‌دانیم اگوم اول از شاهان کاسی در زمان سمسو - دیتانه آخرین پادشاه سلسله حمورابی در سر راه زاگرس به بابل اردوگاهی داشته و بعد از جمع آوری قوا از نواحی وسطای فرات به بابل داخل شده و پایتخت آن را تصرف کرده؛ و نیز جنگجویان دیگری از کاسیها در شرق دجله به استعداد ۱۵۰۰ تن تحت فرماندهی سرداری به نام کاشتیل یا «کاس» در این فتح سهمی بازی کرده است.

از مجموع حوادث و اسناد چنین پیداست کاسیها پیش از منقرض کردن نهایی سلسله حمورایی؛ با جامعه بابلی آمیختگی داشته و رفته رفته به بسط نفوذ خود پرداخته و آن را با چنان شیوه‌ای انجام داده که پس از بر افتادن آخرین شاه بابل یعنی سمسو- دیتانه، بابلیان تقریباً با رغبت سلطه آنان را پذیرفته و کاسیها را به چشم بیگانگان متجاوز نشناخته‌اند؛ زیرا در اسناد و الواح بابلی آن دوره می‌بینیم مردم بابل نسبت به اقوام دیگر مثلاً عیلامیان با خصومت یاد کرده‌اند اما این دشمنی را متوجه کاسیها ننموده‌اند؛ این موضوع حکایت از آن دارد که کاسیها پیش از قبضه قدرت، مدت‌های مدید بدون خشونت در این سرزمین رخنه کرده‌اند و در موقع مناسب حکومت را به دست گرفته‌اند.

### شاهان کاسی

در اسناد عهد کهن آمده است کاسیها جمعاً سی و شش پادشاه داشته‌اند که نام یازده تن از آنان هنوز نامعلوم است. نخستین شاه کاسی «گاندش» نام داشته که پیش از فتح بابل پادشاهی می‌کرده. سی و پنج پادشاه بعدی همگی در بابل حکمرانی کرده‌اند. نام این عده در فهرست ذیل آمده که در مقایسه به فهرست اسامی دیگر کاملتر است.

### فهرست اسامی شاهان کاسی

سال حکومت	نام
۱۷۲۹ قبل از میلاد	۱. گاندش
۱۶۶۰ ق. م.	۲. آگوم اول
-	۳. کاشتی لیاش اول
(حدود ۱۵۳۰ - ۱۵۰۰ ق. م.)	۴. ۹ (نام و سال پادشاهی نامشخص است)
-	۱۰. بورنا بوریاش
حدود ۱۴۱۳ ق. م.	۱۱-۱۴ (نام و سال پادشاهی نامشخص است)
-	۱۵۹. کارا ایندش
-	۱۶۹. کاداش مان - هارب اول
۱۳۷۴ - ۱۳۶۰ ق. م.	۱۷۹. کور گالزو اول
۱۳۵۹ - ۱۳۳۳ ق. م.	۱۸۹. کاداش مان - انلیل اول
۱۳۳۳ ق. م.	۱۹۹. بوریان بویاش دوم
۱۳۳۳ ق. م.	۲۰۹. کارا - هارواش
۱۳۰۸ - ۱۳۳۲	۲۱۹. نازی - بوگاش
۱۲۸۲ - ۱۳۰۷	۲۲. کوری گالزو دوم
۱۲۸۱ - ۱۲۶۴	۲۳. نازی - مار و تاش
-	۲۴. کاداش مان - تورگو

لرستان پژوهش، سال ۱، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷

۲۵. کاواش مان - انلیل دوم ۱۲۶۳ - ۱۲۵۵
۲۶. کودور - انلیل ۱۲۵۴ - ۱۲۳۳
۲۷. شاگاراکتی - شور یاش ۱۲۴۵ - ۱۲۳۳
۲۸. کاشتیلیاش (چهارم) ۱۲۳۲ - ۱۲۲۵
۲۹. انلیل - نادیم - شوی ۱۲۲۴
۳۰. کاداش مان - هارب دوم ۱۲۲۳
۳۱. آداد - شوم - ایدینا ۱۲۲۲ - ۱۲۱۷
۳۲. آداد - شوم - آوسور ۱۲۱۶ - ۱۱۸۷
۳۳. ملی - شیپاک ۱۱۸۶ - ۱۱۷۲
۳۴. مردوک - آپاولا - ایدینا اول ۱۱۷۱ - ۱۱۵۹
۳۵. زابابا - شوم - ایدینا ۱۱۵۸
۳۶. انلیل - نادین - آهی ۱۱۵۷ - ۱۱۵۵

از میان این پادشاهان کوری گالزوی دوم از همه معروفتر است زیرا فرماندهای لایق و جنگجویی پیروزمند بود و توانست به سرزمین عیلام لشکر کشی کند و شوش پایتخت آن را تصرف و به سرزمین کاسیها ضمیمه نماید. امادولت عیلام نیز بیکار ننشست و در زمان سلطنت شوتروک - ناخوته شاه نیرومند خود، به بابل لشکر برد و در سال ۱۱۵۵ بابل را تسخیر و پایتخت آن را غارت نمود و غنایم فراوانی به شوش آورد و سرزمین بابل را به خاک عیلام منظم ساخت. از این زمان به بعد دیگر کاسیها در تنه دولت عیلام هضم شدند و چندی بعد نیز سرزمین عیلام به تصرف هخامنشیان در آمد.

از آثار به جا مانده از دوره زمامداری کاسیها مقدم بر همه باید از بقایای شهر دور - کریگالز و یا دژ نظامی نام بود که در کنارش شهر عفر کوف در حوالی بغداد برجاست و کاسیها این شهر را بیشتر به خاطر دفاع از قلمرو پادشاهی خود در برابر حملات عیلامیان و آشوریان ساختند و با وجود اهمیت و وسعت آن باز هم شهر بابل را به عنوان پایتخت خویش و نیز مرکز بازرگانی و مذهبی حفظ کردند.

نقاشی متعلق به کاخ دور - کوریگالزو واقع در معرکوفس است. این تصویر احتمالاً یکی از شاهان کاسی را نشان می دهد. کلاهی که بر سر او دیده می شود به کلاه نمادی مرسوم در لرستان شبیه است و به جامه تن او غیر از شرابه های تزئینی تا حدی به قبای لری موسوم به «ستره» (Setera) بی شباهت نیست.

شاهان کاسی بیشتر از همه با فراغنه مصری زمان خود رابطه دوستانه ای داشته اند و میان آنان نامه و نمایندگانی رد و بدل شده است وجود همین پیامها که به زبان اکدی برالواح رئیسی موجود است و در حوالی العماره یافت شده است، اطلاعات مفیدی از احوال اجتماعی آن زمان را بر ما معلوم می کنند که امیدوارم در شماره آتی به آن بپردازم. ●